

Investigating the Capabilities of Persian language and literature in the Foreign Relations of the Islamic Republic of Iran, with an emphasis on Ayatollah Khamenei's Perspective

Alireza Asadi¹

Assistant Professor, Center for Islamic Studies and Persian Literature, Isfahan University of Technology

Received: 2022/06/21 | Accepted: 2022/07/11

Abstract

Persian language and literature, as one of the significant elements of the Iranian culture and identity, has always been one of the strengths and ways of introducing and expanding Iranian culture and civilization to other nations. Even today, language and literature are of special importance in the political and cultural relations of countries and are considered as one of the primary factors in the creation and expansion of soft power. Therefore, considering that the Islamic revolution and the soft power of the Islamic Republic of Iran have had tremendous effects internationally and on the Islamic world and have caused Islamic awakening and the revival of Islamic culture and civilization, the main question that arises here and is addressed in this study is what are the capacities of the Persian language and literature in Iran's foreign relations?

Considering the place of the Islamic Republic's Supreme Leader's view in the country's macro policies as well as foreign relations policy-making, this study, tries to answer the mentioned question based on Ayatollah Khamenei's views through a descriptive-analytical method.

In the view of Ayatollah Khamenei, script and language are of special importance and Persian language is one of the imperative elements of Iranian national identity. Language makes the main channel of culture transmission and one of the tools of influence and even domination over other nations. He considers the Persian language to be full of the teachings of Islam and the Islamic Revolution, and considers it the best medium and carrier to convey the message of the Islamic Revolution to the nations worldwide. He recognizes the revival of the Persian language and literature one of the duties of the Islamic Republic.

Keywords: Persian Language and Literature, Iran's foreign relations, soft power, Ayatollah Khamenei, Islamic Revolution.



بررسی ظرفیت های زبان و ادبیات فارسی در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران، با تأکید بر دیدگاه حضرت آیت الله خامنه ای

علیرضا اسدی^۱

استادیار مرکز معارف اسلامی و ادبیات فارسی، دانشگاه صنعتی اصفهان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۳۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۰

چکیده

زبان و ادبیات فارسی به عنوان یکی از مولفه ها و عناصر مهم فرهنگ و هویت ملت ایران، همواره و در طول تاریخ یکی از نقاط قوت و راههای معرفی و گسترش فرهنگ و تمدن ایران در ارتباط با ملت های دیگر بوده است. امروزه نیز زبان و ادبیات در روابط سیاسی و فرهنگی کشورها از اهمیت ویژه ای برخوردار است و به عنوان یکی از عوامل اولیه ایجاد و گسترش قدرت نرم محسوب می شود. لذا با توجه به اینکه انقلاب اسلامی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران تأثیرات شگرفی در سطح بین الملل و جهان اسلام داشته و باعث بیداری اسلامی و احیای فرهنگ و تمدن اسلامی گردیده است، سوال اصلی این پژوهش این است که ظرفیت های زبان و ادبیات فارسی در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ با توجه به اهمیت دیدگاه رهبر جمهوری اسلامی ایران در سیاست های کلان کشور و سیاستگذاری روابط خارجی، در این پژوهش تلاش می شود با روش توصیفی-تحلیلی و با تأکید بر دیدگاه حضرت آیت الله خامنه ای، به پرسش فوق پاسخ داده شود. در دیدگاه حضرت آیت الله خامنه ای خط و زبان دارای اهمیت ویژه ای است و زبان فارسی یکی از عناصر مهم هویت ملی ایرانیان است. زبان، کانال عمده ای انتقال فرهنگ و یکی از ابزار نفوذ و حتی سلطه بر ملت های دیگر است. ایشان زبان فارسی را سرشار از معارف اسلام و انقلاب اسلامی دانسته و آن را بهترین رسانه و حامل برای انتقال پیام انقلاب اسلامی به ملت های جهان دانسته و یکی از وظایف جمهوری اسلامی را احیاء نفوذ تاریخی زبان و ادبیات فارسی در دنیا می دانند.

واژگان کلیدی

زبان و ادبیات فارسی، روابط خارجی ایران، قدرت نرم، آیت الله خامنه ای، انقلاب اسلامی.

مقدمه

با افزایش دگرگونی در قلمرو سیاسی کشورها، توانمندی دولتها در بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی در روابط خارجی و تلاش برای همراه کردن ملتهای مختلف در پشتیبانی از اهداف خود رشد چشمگیری داشته است. امروزه در عرصه روابط بین الملل نظام‌های سیاسی از ابزارهای قدرت نرم به طرق مختلف بهره می‌برند. دولتها در فضای بین الملل برای افزایش نفوذ خود، به دنبال ایجاد یک چهره مثبت در قالب قدرت نرم از خویش هستند. استفاده صحیح از قدرت نرم دولتها را قادر می‌کند تا از جنگ و درگیری نظامی دوری و اذهان عمومی را در عرصه بین المللی با اهداف خود هماهنگ نمایند. هر قدر کشورها از این ابزار یعنی قدرت نرم بهره بیشتری ببرند در مناسبات سیاسی توان افزایش بهره‌وری خود را تقویت نموده‌اند. (نعیم آبادی و پالیزپیشه، ۱۳۹۹: ۷۵) امروزه مقوله زبان و ادبیات و آثار انتقال فرهنگی آن بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است و ابزارهای فرهنگی ادبی جوامع به مثابه یکی از مهمترین روشهای اثرگذاری قدرت نرم مورد نظر میباشد.

کشور ایران نیز، پس از پیروزی انقلاب اسلامی وارد عرصه جدیدی از تحولات سیاسی شده و با تغییر محاسبات بین المللی و همچنین کاربردهای نوین و راهبردی قدرت نرم، در جهت مقابله با آسیب‌ها و تهدیدهای پیش روی انقلاب، لذا تلاش برای بهره‌برداری از قدرت نرم و دیپلماسی عمومی و ظرفیت‌ها و توانایی‌های مرتبط با آن، از جمله زبان و ادبیات فارسی، در سیاست خارجی، بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

زبان و ادبیات فارسی به عنوان یکی از مولفه‌ها و عناصر مهم فرهنگ و هویت ملت ایران، همواره و در طول تاریخ یکی از نقاط قوت و راههای معرفی و گسترش فرهنگ و تمدن ایران در ارتباط با ملتهای دیگر بوده است. امروزه نیز زبان و ادبیات در روابط سیاسی و فرهنگی کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به عنوان

یکی از عوامل اولیه ایجاد و گسترش قدرت نرم محسوب می شود. لذا با توجه به اینکه انقلاب اسلامی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران تأثیرات شگرفی در سطح بین الملل و جهان اسلام داشته و باعث بیداری اسلامی و احیای فرهنگ و تمدن اسلامی گردیده است، سوال اصلی این پژوهش این است که ظرفیت های زبان و ادبیات فارسی در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

با توجه به اهمیت دیدگاه رهبر جمهوری اسلامی ایران در سیاست های کلان کشور و سیاستگزاری روابط خارجی، در این پژوهش تلاش می شود با روش توصیفی- تحلیلی و با تأکید بر دیدگاه حضرت آیت الله خامنه ای، به پرسش فوق پاسخ داده شود.

تعریف مفاهیم

۱. سیاست خارجی

سیاست خارجی را می توان مجموعه ای از اقدامات از پیش طراحی شده توسط تصمیم گیرندگان حکومتی تعریف نمود که مقصود از آن دستیابی به اهداف معین در چهارچوب کلی و در محیط بیرونی و بین المللی است. در این چارچوب سیاست خارجی شامل تدوین و اجرای اهداف و منافع ملی است که در صحنه بین المللی از سوی دولت ها انجام می پذیرد. از طرف دیگر سیاست خارجی می تواند ابتکار عمل یک دولت و یا واکنش آن در قبال کنش دیگر دولت ها باشد. تدوین و تعیین سیاست خارجی در هر کشوری حاصل متغیرهای متعددی همچون مبانی فکری، ماهیت نظام بین الملل، خصوصیات و نحوه نگرش هیئت حاکمه، توانایی های کشور، نیازهای عینی جامعه، متغیرهای جغرافیایی و فرهنگ سیاسی آن است و دیپلماسی، یکی از ابزار های دستیابی به اهداف سیاست خارجی در کنار ابزارهایی همچون ابزار سیاسی، اقتصادی و نظامی محسوب می شود. (فاطمی صدر، ۱۳۹۳:



۲. دیپلماسی عمومی

در یک تعریف ساده، دیپلماسی، هنر برقراری و تقویت روابط دو جانبه و چند جانبه با هدف تامین منافع ملی است. دیپلماسی امروزه دستخوش دگرگونی‌های اساسی شده است به گونه‌ای که اشکال گوناگونی همچون دیپلماسی سنتی، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی رسانه‌ای و دیگر اشکال دیپلماسی مورد توجه قرار دارد. در سال‌های اخیر دیپلماسی عمومی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. دیپلماسی عمومی درک توده‌های مردم کشور مخاطب، دادن پیام برای آنان، فعالیت به منظور تاثیرگذاری بر آن‌ها و توسعه گفتگو میان شهروندان و نهادهای یک کشور از یک سو و نهادهای کشور مخاطب از سوی دیگر است که این امر باعث تقویت منافع ملی می‌شود. برخی دیگر معتقدند دیپلماسی عمومی فرایندی است که به وسیله آن ارتباط مستقیم با مردم در یک کشور برای پیش بردن منافع و گسترش ارزش‌هایی که معرفی می‌شوند تعقیب می‌شود. (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۴۷)

دیپلماسی عمومی، معمولاً با دو راهبرد، دو سطح متفاوت از مخاطبان را هدف قرار می‌گیرد. راهبرد آموزشی یا دیپلماسی عمومی نخبگانی و راهبرد رسانه‌ای یا دیپلماسی عمومی همگانی. مهمترین گروه هدف در دیپلماسی عمومی، نخبگان کشورهای دیگر هستند چراکه با تأثیر بر آنها می‌توان امیدوار بود که آنها خود به اشاعه گران و ترویج کنندگان مقاصد کشور مبداء تبدیل شوند. راهبرد آموزشی که گاه «دیپلماسی فرهنگی» نیز خوانده می‌شود به برقراری توسعه و پیگیری روابط با نخبگان کشورهای خارجی از طریق فرهنگ، هنر، و آموزش مرتبط است. فرایندی موثر، که در آن فرهنگ یک ملت از طریق تبادل دانش، ایده، اطلاعات، هنر و... به منظور تقویت تفاهم متقابل جهان بیرون عرضه می‌شود. (رک: درخشه و غفاری،

(۱۳۹۰: ۱۴-۱۵)



۳. دیپلماسی فرهنگی

دیپلماسی عمومی متکی بر تفاهم و علایق متقابل است و دیپلماسی فرهنگی و فعالیت های فرهنگی در خدمت دیپلماسی عمومی قرار دارد. فرهنگ در سیاست خارجی که برخی آن را دیپلماسی فرهنگی می نامند به عنوان «تبادل عقاید، اطلاعات، هنر و دیگر جنبه های فرهنگ در میان ملت ها به منظور پرورش رشد چند جانبه» تعریف می شود. (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۴۸) دیپلماسی فرهنگی، امروزه در مناسبات بین المللی از جایگاه خاصی برخوردار است که به اعتقاد برخی از صاحب نظران افزایش و تسهیل ارتباطات بین فرهنگی، مهم ترین وظیفه دیپلماسی در دوره جدید است. (رک: خراسانی، ۱۳۸۷)

دیپلماسی فرهنگی تلاش بازیگر برای مدیریت محیط بین المللی از طریق شناساندن منابع فرهنگی و دستاوردهایش به خارج و یا تسهیل انتقال فرهنگ به ماورای مرزها می باشد. امروز دیپلماسی فرهنگی از جایگاه ویژه ای در مناسبات بین المللی برخوردار است چنان که به اعتقاد برخی از صاحب نظران افزایش و تسهیل ارتباطات بین فرهنگی مهمترین وظیفه دیپلماسی در دوره جدید است. و کشورهای که دارای منابع غنی فرهنگی هستند تمایل بیشتری در استفاده از این نوع دیپلماسی عمومی دارند. یکی از شروط مهم تحقق دیپلماسی فرهنگی موفق به کارگیری دیپلمات های خلاق، کاردان و متخصص در این نوع از دیپلماسی است. دیپلمات فرهنگی بایستی در حوزه ادبیات، زبان شناسی و هنر های مختص کشور خود و جامعه ای که در آن مشغول است اشراف کامل داشته باشد و با مطالعات تطبیقی بتواند در عمل بر روی شباهت های فرهنگی طرفین انگشت بگذارد. (فاطمی صدر، ۱۳۹۳: ۵۸)

۴. قدرت نرم

اساساً از واژه فرهنگ در قاموس و عرف سیاست بین الملل به عنوان قدرت نرم یاد می شود. قدرت نرم، محصول و برآیند تصویر سازی مثبت، ارائه چهره موجه از



خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و جهانی، قدرت تأثیر گذاری غیر مستقیم توأم با رضایت بردیگران و ... می‌باشد. جوزف نای از پیشگامان طرح قدرت نرم، بر این عقیده است که: قدرت نرم، توجه ویژه‌ای به اشغال فضای ذهنی کشور دیگر از طریق ایجاد جاذبه است و نیز زمانی، یک کشور به قدرت نرم دست می‌یابد که بتواند (اطلاعات و دانایی) را به منظور پایان دادن به موضوعات مورد اختلاف به کار گیرد و اختلافات را به گونه‌ای ترسیم کند که از آنها امتیاز گیرد. امروزه، این قرائت از قدرت در مقابل قدرت سخت، قدرت نظامی و تسلیحاتی که به نحوی توأم با اجبار و خشونت‌های فیزیکی است به کار می‌رود. (خراسانی، ۱۳۸۷: ۵۱)

نای کلیت قدرت را به دو حوزه سخت و نرم تفکیک می‌کند. وی فهم صحیح قدرت را منوط به درک درست در دو وجه سخت و نرم آن می‌داند. میتوان قدرت نرم را توانایی یک مجموعه سیاسی مانند دولت دانست که به طور مستقیم بر رفتار یا منافع سایر نهادهای سیاسی از طریق شیوه‌های فرهنگی و ایدئولوژیکی تأثیرگذار است و اسباب تغییر رفتار را در ورای قدرت سخت، که مبتنی بر اجبار و تطمیع است فراهم می‌کند. قدرت سخت به لحاظ تاریخی معیار واقع گرایانه و مسلط قدرت ملی محسوب شده و شاخص‌های سنجش آن کمی و شامل مواردی چون جمعیت، سرمایه‌های نظامی ملموس و واقعی یا تولید ناخالص ملی می‌باشد. لذا قدرت نظامی و اقتصادی در چارچوب قدرت سخت و در برابر قدرت نرم طبقه بندی می‌شوند و قدرت سخت را میتوان شامل دو جزء اجبار و تطمیع دانست. (رک: عباسپور و یوسفی، ۱۳۹۶: ۳۶-۲۵)

قدرت نرم نسبت به قدرت سخت، رسیدن به هدف مورد نظر را به خاطر ماهیت فرهنگی خود با هزینه‌های کمتری مقدور می‌سازد. به بیانی دیگر چنانچه سیاست خارجی یک کشور بتواند باعث ترویج ارزش‌های مطلوب و بهره‌گیری از عنصر فرهنگ شود قدرت نرم قابل توجهی را در سطح بین‌المللی ایجاد نموده است.

روابط خارجی، دیپلماسی عمومی و قدرت نرم

در دیپلماسی عمومی توجه به مفاهیمی همچون قدرت نرم حائز اهمیت است به ویژه که قدرت نرم و دیپلماسی عمومی ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند در واقع دیپلماسی عمومی از منابع و امکانات قدرت نرم بهره می برد و موجب تقویت بیشتر آن می شود. قدرت نرم توانایی به دست آوردن آنچه مورد نظر است از طریق جذابیت تعریف می شود. در این رابطه مولفه هایی مانند فرهنگ و ارزشهای بنیادین و سیاست ها منابع قدرت نرم محسوب می شوند که هرگاه مورد قبول مخاطبین قرار گیرد ایجاد قدرت می نماید. سیاست های دولت در خارج و داخل کشور نیز یکی از منابع بالقوه قدرت نرم افزار می شود به ویژه سیاست خارجی تاثیر قاطعی بر قدرت نرم دارد در واقع سیاست های اعمال شده از جانب حکومت ها شمشیری دولبه است که می تواند به ارتقا یا کاهش بخشی از قدرت نرم بیانجامد به بیان دیگر اگر دیپلماسی عمومی می تواند در بین دیگر ملل جهان جذابیت ایجاد کند می تواند در شکل گیری و یا تقویت قدرت نرم در درون کشور مبدا نیز موثر باشد بنابراین دیپلماسی عمومی با استفاده از مولفه های قدرت نرم به دنبال متقاعد کردن دیگران به تبعیت از هنجارها و نهادهایی است که رفتار مذکور را ایجاد می کند (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۴۹)

دیپلماسی عمومی به عنوان یکی از اشکال نوین دیپلماسی، بیانگر نوع خاصی از ارتباط بوده که فراتر از مناسبات بین دولت ها حرکت کرده و با مردم جامعه هدف درگیر می شود. هدف اصلی دیپلماسی عمومی که از آن به تلاش های یک دولت برای ارتباط و نفوذ در افکار عمومی کشور هدف یاد می شود تاثیرگذاری بر تصمیم گیران اصلی دیگر جوامع از طریق انتقال پیام های کلیدی در خصوص وجه مثبت یک کشور است. در این روش چهره کشور به گونه ای جذاب معرفی می گردد که بتواند ایجاد کننده تصویری مطلوب در افکار و اذهان مردم خارجی باشد تا از این



طریق جایگاه بین‌المللی کشور ارتقا یافته و منجر به افزایش دامنه نفوذ و ایجاد دوستانی در بلندمدت گردد. (فاطمی صدر، ۱۳۹۳: ۲۳)

در میان انواع دیپلماسی نوین اعم از دیپلماسی عمومی، دیپلماسی رسانه‌ای و دیپلماسی آموزش، دیپلماسی فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دیپلماسی فرهنگی به کشورها اجازه می‌دهد که با استناد به عناصر کلیدی و نفوذ دولتهای خود، به طور مستقیم با مخاطبان خارجی، به انضمام مردم معمولی و رهبران افکار، در ارتباط باشند. نفوذ بر روی توده‌های خارجی و آوردن آنها به صحنه بین‌المللی، به منظور فراهم آوردن فشار موثر به دولتهای آنها، در نظر گرفته می‌شود. (خرازی، ۱۳۸۸: ۱۰۷)

برخی از عواملی که تولید کننده و یا تقویت کننده قدرت نرم در روابط خارجی و دیپلماسی فرهنگی هستند عبارتند از: ترویج زبان و ادبیات، تبلیغ آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی، موقعیت ایدئولوژیکی، ارتباط دیپلماتیک مناسب و گسترده، مناسبات و مبادلات فرهنگی، ارائه تصویر مطلوب از خود، بهره‌گیری مناسب از اطلاعات و فرهنگ در راستای مقاصد دیپلماتیک، طراحی و اتخاذ استراتژی‌ها و سیاست‌های مقبول، زدودن ذهنیت‌های تاریخی منفی، کسب جایگاه علمی پیشرفته و فن‌آوری‌های تکنولوژیکی، قدرت شکل‌دهی و کنترل افکار عمومی، قدرت نفوذ در باورها و نگرش‌ها، برخورداری از شبکه‌های خبری و قدرت تولید و توزیع محصولات رسانه‌ای متنوع به کشورها و نفوذ در رسانه‌های بین‌المللی. هم‌چنین برخورد مناسب و اتحاد مواضع مقبول در برخورد با بحران‌های بین‌المللی، ارائه خدمات بشر دوستانه، حضور گسترده در جوامع فرهنگی و رایزنی‌های فرهنگی در سطح وسیع در ایجاد و تقویت قدرت فرهنگی مؤثرند.

در مجموع می‌توان گفت از جمله ممیزات قدرت نرم، مردمی بودن و غیر رسمی بودن آن است. به عبارت دیگر، قدرت نرم، زمانی می‌تواند تولید گفتمان

سازگاری با افکار عمومی نماید که مستلزم قدرت سخت نباشد و بتواند به دور از محدودیت ها و امر و نهی های قدرت سخت، در شرایط و فضای آزاد، تولید گفتمان محلی، منطقه ای و فراملی نماید و با سهولت، پیام خود را به افکار عمومی جهانیان برساند. نکته قابل توجه، آن است که قدرتی که از این طریق حاصل می شود را نباید با عوام گرایی و تولید عوامانه گفتمان، اشتباه گرفت، بلکه قدرت نرم (قدرت فرهنگی) به معنای تخصصی کردن، علمی کردن و عقلانی نمودن حوزه قدرت در همه عرصه ها است. (خراسانی، ۱۳۸۷: ۵۳)

اهمیت زبان و ادبیات در دیپلماسی عمومی

درباره ابزارها و روش های اعمال دیپلماسی فرهنگی باید گفت یکی از راه های موثر برای انتقال هنجارها و ارزش های منحصر به فرد فرهنگی ارتقای سطح مبادلات آموزشی بین دولت ها است. آموزش و ترویج زبان رسمی کشور ها و استفاده از کتاب به عنوان یک کالای فرهنگی برای شناساندن فرهنگ های ملی و بومی به دیگران و تاسیس رشته ها و مراکز مطالعات منطقه ای در دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی، گام های موثری در راستای توسعه دیپلماسی فرهنگی ارزیابی می شود. (فاطمی صدر، ۱۳۹۳: ۵۹)

امروزه مقوله زبان و ادبیات و آثار انتقال فرهنگی آن بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است و ابزارهای فرهنگی ادبی جوامع به مثابه یکی از مهمترین روشهای اثرگذاری قدرت نرم مورد نظر میباشد. از آنجایی که دیپلماسی فرهنگی تأمین کننده منافع ملی با بهره مندی از جاذبه های فرهنگی است، در شرایط کنونی مستلزم به کارگیری ابزارهای قدرتمند و با معنا است تا بتواند به عرصه ای برای ظهور همه ظرفیت های بالقوه و قابلیت های تاریخی، علمی- آموزشی و هنری یک کشور، باهدف جذب مخاطبین بیشتر تبدیل گردد. (ذوالفقاری و غلامعلی، ۱۴۰۱: ۱۶۹)

کسب زبان و دیگر شکلهای ارتباطی، بُعد مهمی از هویت فرهنگی محسوب میشود. زبان مادری یا بومی، اولین ابزار دسترسی به جهان عینی است. کسانی که با

یک زبان واحد صحبت میکنند، میتوانند دارای تجربیات، احساسات، افکار و جوکهای مشترکی باشند. علاوه بر این، مرز قلمرو عینیت نیز مشخص خواهد شد: استفاده کنندگان از یک زبان واحد در جهان خارجی واحدی زندگی می کنند. خط، یکی از عوامل مهمی است که در تکوین و تحویل هویت اثرگذار است؛ لذا همواره مورد توجه دولتمردان بوده است. به عنوان مثال از نخستین و مهمترین اقدامات آتاتورک که با یاری جنبشی ملی گرایانه به ریاست جمهوری ترکیه رسید، حذف خط عربی و جایگزین نمودن آن با واژگانی ملهم از الفبای لاتین بود؛ چرا که نمود هویتی خط، باز نمودی فرهنگی در سیر تاریخی یک کشور برجای میگذارد. بنابر این، باید در هویت فرهنگی جایگاه زبان نوشتاری را متمایز از زبان گفتاری مورد توجه قرارداد. (بلباسی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۷۲)

داد و ستد زبانها یکی از مباحث مهم در زبان و ادبیات هر کشور و تعاملات فرهنگی ملل به شمار میآید. واژه هایی که در زبان های گوناگون جا به جا میگردد، تنها یک عنصر زبانی محض به شمار نمیرود بلکه واژه ها، ترکیب ها و نشانه های زبانی به همراه خود عناصر فرهنگی، اجتماعی زبان را نیز منتقل میکنند؛ گرچه این انتقال و تاثیرگذاری بسیار ظریف و نامحسوس و کند مینماید، ولی تاثیر آن بسیار واقعی و گاه پایدار است. (فولادی، ۱۳۹۸: ۴۱)

قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و ضرورت دیپلماسی عمومی

انقلاب اسلامی ایران را میتوان تجلی تحقق قدرت نرم به معنای توانایی نفوذ در میان دیگر ملتها، بدون تهدید و یا پرداخت هزینه محسوس به شمار آورد. ایران با تکیه بر قدرت نرم افزاری به ویژه ارزش هایی چون ایشار، شهادت طلبی، معنویت گرایی، عدالت باوری، استقلال طلبی، مبارزه با صهیونیسم و ضدیت با سیاست های استکباری غرب به ویژه آمریکا، توانسته به احیای خودباوری دینی و بیداری اسلامی در عرصه جهان اسلام و تأثیرگذاری بر مناسبات جهانی پردازد و

اقتدار نرم افزاری خود را در عرصه بین المللی به منصه ظهور رساند. (رهبر و دیگران، ۱۳۹۴: ۹)

استقبال ملت های مستضعف و افزایش اشتیاق آنان به نقش آفرینی جمهوری اسلامی در صحنه بین الملل نشان دهنده قدرت و توان پیام انقلاب اسلامی در متقاعد سازی دیگر ملتها و تاثیر گذاری در سطح منطقه ای و جهانی می باشد. انقلاب اسلامی طرفدار عدالت، آزادی بشر و نابودی نظام سلطه در همه جهان است و نقطه مقابل سیاست ظالمانه و ستمگرانه قدرتهای انحصار طلب می باشد (صادق زاده، ۱۴۰۰: ۸۱)

کشورهای قدرتمند، همواره در تلاشند که با استفاده از ابزارهای مسالمت آمیز در چهارچوب قدرت نرم، به ترویج ایدئولوژی مطلوبشان در سرتاسر جهان بپردازند و بدین ترتیب افکار عمومی مردم را با اهداف و سیاست هایشان همسو سازند. به هر میزان، یک ایدئولوژی، توانایی مشروعیت بخشی و توجیه گری بیشتری داشته باشد، طول عمر بیشتری نیز خواهد داشت.

ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به عنوان یکی از کشورهای مهم و قدرتمند منطقه که دارای جهان بینی جدید و متفاوتی نسبت به سایر کشورها بود، تصمیم به صدور مبانی فکری اش، ابتدا به کشورهای منطقه و سپس جهان گرفت. این مبانی از همان زمان تا کنون، سرلوحه سیاست خارجی ایران قرار گرفته است و در جهت افزایش قدرت نرم استفاده می گردند. تعریف جدیدی که ایران از سیاست به کشورهای منطقه معرفی نمود، باعث شد که بسیاری از شهروندان این کشورها با الهام گرفتن از ایران، خواستار پررنگ شدن نقش مذهب در امور داخلی و خارجی شان شدند. اینها همگی، تحت تاثیر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بود؛ زیرا ایران بدون استفاده از ابزارهای قدرت سخت و یا صرف هزینه های فراوان، تنها با اشاعه ایدئولوژی اش توانست بسیاری از ملت های منطقه خاورمیانه را به خود نزدیک نماید. (مایلی و مطیعی، ۱۳۹۵: ۲۰۲)



امروزه همه کشورها به طور جدی در عرصه دیپلماسی عمومی فعالیت می کنند. جمهوری اسلامی ایران نیز به جهت اقتضائات ملی و آرمان های برآمده از انقلاب اسلامی به اعمال دیپلماسی عمومی محتاج است. امروزه هجمه تبلیغاتی وسیعی علیه نظام جمهوری اسلامی در جریان است و رسانه های دخیل در این امر با توانایی بالقوه ای که در ساختن و جهت دهی افکار عمومی دارا هستند سعی در مشوه جلوه دادن چهره ایران دارند. این امر نیز اهمیت استفاده از قدرت نرم و دیپلماسی عمومی را دو چندان می کند. جمهوری اسلامی ایران می تواند با تکیه بر انباشته های غنی فرهنگی و ایستادگی بر اصول برآمده از انقلاب اسلامی، خود را به عنوان کشوری پیشرفته و مستقل نشان داده و تصویری مطلوب از خود به نمایش بگذارد که در صورت موفقیت می تواند عامل ایجاد قدرت نرم گشته و بازیگری ایران را در سطح معادلات جهانی و منطقه خاورمیانه ارتقاء بخشد. آرمان های جهان شمول برآمده از انقلاب اسلامی وظایف سنگینی بر دوش کارگزاران نظام قرار می دهد که اهمیت استفاده از دیپلماسی عمومی را در جهت معرفی جمهوری اسلامی به دنیا مضاعف می کند. (فاطمی صدر، ۱۳۹۳: ۲۴)

به نظر می رسد که شالوده و جوهر دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران را نظریه صدور انقلاب شکل می دهد که الهام گرفته از اصل دعوت در آموزه های اسلام است و به طور رسمی و علنی در مجموعه اهداف سیاست خارجی ایران نیز بازتاب یافته است. جمهوری اسلامی با به کارگیری بیشترین توان خود برای مدیریت افکار عمومی در سایر جوامع می کوشد تا این دغدغه را جامه عمل بپوشد. دیپلماسی عمومی ایران به مثابه یکی از ابعاد و ابزارهای سیاست خارجی عبارت است از تلاش و کوشش سازمان یافته برای تاثیرگذاری بر برداشتها، انگاره ها، ایده آل ها، ارزش ها و باورهای دیگر ملت ها از طریق تبیین و اشاعه آموزه ها و هنجارهای اسلامی و انقلابی. ایران این هدف را با به کارگیری منابع فرصت ساز

قدرت نرم خویش در چارچوب دیپلماسی عمومی پیگیری می‌کند. (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۷)

برخی از منابع و مولفه‌های دیپلماسی عمومی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از: فرهنگ و ارزشهای اسلامی، مبانی و اهداف انقلاب اسلامی، زبان فارسی و فرهنگ ایرانی، مردم سالاری دینی، پیشرفت‌های علمی و فرهنگی و... ادبیات فارسی که مامن اندیشه آزادی خواهی، وطن دوستی، حافظه تاریخی، استقلال جویی و سایر انگاره‌های ارزشمند کهن ایرانی و اسلامی است، در مقام زبان انقلاب از بزرگترین امکان‌های پیش روی انقلاب اسلامی برای رساندن پیام خویش به ملت‌های فارسی زبان و حتی سایر ملتها است و لذا ظرفیت‌های زبان فارسی در ترویج ارزش‌های انقلاب در جهان بسیار اهمیت دارد. (حاجیان، ۱۳۹۴: ۸)

اهمیت زبان فارسی در دیپلماسی عمومی

هر چند زبان فارسی به طور رسمی تنها در کشورهای ایران افغانستان و تاجیکستان عمومیت دارد، در کشورهای نظیر عراق، ترکیه، ازبکستان و پاکستان نیز گروهی از مردم به این زبان سخن می‌گویند و نفوذ آن در زبان‌های دیگر مانند ترکی، هندی، اردو، ارمنی، گرجی، سواحیلی و... انکارناپذیر است. قریباً حدود ۱۰۰ میلیون نفر در دنیا به زبان فارسی تکلم می‌کنند و در ساختار زبانی بیش از ۲۰۰ میلیون ترک، ترکمن، ازبک و اردو زبان، از فارسی سهم اساسی دارند.

از سوی دیگر بدون زبان مشترک تداوم فرهنگی امکان پذیر نیست و فرهنگ به نسل‌های بعدی منتقل نمی‌شود به همین دلیل زبان از یک سو ساخته فرهنگ و از سوی دیگر سازنده آن است. از آنجا که یکی از مهم‌ترین راه‌های گفتگو جذب و اقناع دیگران - به مثابه اساس دیپلماسی عمومی - بهره‌گیری از زبان مشترک است زبان فارسی فرصت‌های فراوانی را در این عرصه پیشروی جمهوری اسلامی ایران می‌گذارد.



سنت‌ها و عادات‌های تاریخی ایرانیان نیز مسائلی از قدرت نرم ایران به شمار می‌رود. فراگیری مراسم و مناسبت‌های ایرانی مانند نوروز نشان از نفوذ فوق‌العاده فرهنگ ایرانی در میان جوامع دیگر دارد. همچنین نحوه نگرش مردم ایران به آرمان‌ها و آرزوها به شدت انسانی است. شعر ایران که بیشترین منعکس‌کننده بینش و نگرش جامعه ایرانی باشد مشحون از آرزوها و آمالی است که همگی در پی جهانی ایده‌آل و آرمانی هستند جهانی که در آن انصاف، عدل تساوی، برادری و برابری و معنویت شاخصه‌های اصلی هستند از این رو باید زبان فارسی و فرهنگ ایرانی را در حوزه تمدنی ایران و حتی فراتر از آن منبعی غنی برای قدرت نرم و دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران به شمار آوریم. (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۲۰)

زبان فارسی و فرهنگ ایران زمین چه پیش از اسلام و چه پس از اسلام مورد توجه بسیاری از ملل بوده است. ایران که خاستگاه فرهنگ و تمدن ریشه‌دار و تاثیرگذاری بوده، پس از ورود اسلام و افزوده شدن شاخصه‌های اسلامی به این فرهنگ انسانی و ارزشی، از فربهی بیشتری برخوردار شد و در قلمرو زبان فارسی، بر کشورهای اسلامی و حتی کشورهای غیر اسلامی نیز تاثیر نهاد و مورد توجه ملل و زبانهای گوناگون قرار گرفت. این موضوع باعث شد که از طرق مختلف بویژه از منظر زبان و عنصر زبانی بر تبادل فرهنگی ملل تاثیر گذار باشد. گرچه تاثیر و اثر جزو ذات فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و زبان‌های پویا و زنده جهان است، اما هر زبان و فرهنگی که ریشه دارتر و از نظر پیامهای انسانی حرفی برای گفتن در جهان داشته باشد، تاثیر بیشتری بر دیگر زبانها و فرهنگها خواهد نهاد. زبان فارسی که از یک سو در بر دارنده پیامهای انسانی و اخلاقی ایران است و از سوی دیگر با پیوند به اسلام از غنای خاصی برخوردار شده است، به وسیله شاهکارهای ادبی و عناصر زبانی توانسته جای پای خود را در زبان و فرهنگ ملل

باز کند. (فولادی، ۱۳۹۸: ۴۲ و ۵۹)

زبان فارسی به عنوان یکی از زبانهایی که تا قرن‌ها، پس از زبان عربی، زبان دین و علوم اسلامی و انسانی به شمار می‌آمد و بسیاری از منابع و آثار و علوم مانند عرفان، کلام، فلسفه، طب، نجوم و جز آن به زبان فارسی گفته و نگاشته میشد؛ همان نکته ای که رهبر فرزانه بر آن تأکید دارد که زبان فارسی باید به زبان مرجع علمی دنیا تبدیل شود. (فولادی، ۱۳۹۸: ۴۱)

ادبیات فارسی که مامن اندیشه آزادی خواهی، وطن دوستی، حافظه تاریخی، استقلال جویی و سایر انگاره های ارزشمند کهن ایرانی و اسلامی است، در مقام زبان انقلاب از بزرگترین امکان های پیش روی انقلاب اسلامی برای رساندن پیام خویش به ملت های فارسی زبان و حتی سایر ملتها است و لذا ظرفیت های زبان فارسی در ترویج ارزش های انقلاب در جهان بسیار اهمیت دارد. (حاجیان، ۱۳۹۴: ۸)

آشنایی با زبان فارسی دریچه ای است برای ورود به ارزشها و مبانی جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، لذا ترویج آن، برابر است با ترویج ارزشها و فرهنگ ملت ایران.

زبان و ادبیات فارسی میراثی ارزشمند، وحدتبخش و هویت ساز در تاریخ این مرزوبوم است. علیرغم وجود قومیتها و مذاهب مختلف در ایران، اما یکی از ارکان مهم اتحاد بخش در این میان، هویت ایرانی با محوریت زبان فارسی است. بازتاب و اهمیت زبان فارسی در برهه ای از تاریخ در توسعه مراودات سیاسی و اجتماعی ایرانیان نمایان و منجر به تبدیلسدن به زبان علم و دانش در منطقه جغرافیایی خود شد، و از سوی دیگر به عنوان محور تبادلات بین المللی در روزگار خود شناخته می شد. در زمان معاصر نیز شیفتگان ادبیات و فرهنگ غنی ایرانی در سایر نقاط دنیا به مطالعه و شناخت این زبان و فرهنگ علاقه مند هستند به گونه ای که در دانشگاههای اروپا و آمریکا رشته ها و فرصت های مطالعاتی زبانشناسی در این عرصه ایجاد شده است. این امکان مهم با بهره مندی از ظرفیت های دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی می تواند جوهری نرم افزارانه از قدرت را که مبتنی است بر اقناع و جاذبه

فرهنگی به رخ بکشد. لذا میتوان از این ظرفیت در حوزه همسایگی بیشترین بهره برداری را نمود. قرابت جغرافیایی در حوزه فرهنگی آسیای میانه و قفقاز نشاندهنده عمق اثرگذاری زبان و فرهنگ فارسی در کشورهای تاجیکستان، افغانستان است. علاوه بر اینکه به دلیل گستردگی تحولات و ارتباطات اجتماعی از گذشته تاکنون بخش قابلتوجهی از مردم در کشورهای عراق، ترکیه، ازبکستان و پاکستان به این زبان تکلم میکنند یا دستکم با این زبان آشنایی دارند. این موضوع صرفاً محدود به ارتباطات کلامی نیست، بلکه اگر تأثیر ساختارهای زبانی و یا انتقال فرهنگی در این میان موضوع قدرت نرم باشد که هست، میتوان به آثار فرا منطقه ای فرهنگ پارسی در دنیای اسلام و فراتر از آن در حوزه های جغرافیایی اروپایی نیز اشاره کرد، که واقعیتی انکارناپذیر است. (ذوالفقاری و غلامعلی، ۱۴۰۱: ۱۹۶)

دیپلماسی عمومی و زبان فارسی در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای

بررسی و تبیین دیدگاه سیاسی و سیره و روش حضرت آیت الله خامنه ای در موضوع دیپلماسی عمومی از چند جهت حائز اهمیت است. ۱- مقام معظم رهبری به عنوان یکی از منابع قدرت جمهوری اسلامی ایران شناخته می شوند. ۲- اهمیت دیدگاه رهبر جمهوری اسلامی ایران در سیاست گذاری های کلان کشور بویژه در روابط خارجی ۳- ایشان یکی از متفکران و اندیشمندان جهان اسلام هستند.

یکی از منابع قدرت و فرصت های نهادی و ساختاری و موثر جمهوری اسلامی ایران در جهت ارتقاء سطح دیپلماسی عمومی، قدرت ساختاری و نهادی رهبری نظام است. حضرت آیت الله خامنه ای به لحاظ مقام مرجعیت دینی و ولایت فقیه و رهبری نظام و ویژگی های منحصر به فرد اخلاقی و رفتاری به عنوان یک منبع مستقل قدرت نرم، نقش موثری در ایجاد تصویر مثبت و مطلوب از انقلاب اسلامی، اهداف و آرمان های آن در میان مخاطبان خارجی دارد و از طریق برقراری ارتباط منسجم و هدفمند و پایدار بر افکار عمومی سایر ملت ها و دولت های مستقل و

آزادیخواه تاثیرگذار و در تامین منافع ملی و افزایش کارآمدی سیاست خارجی، نقش ایشان تعیین کننده است. (صادق زاده، ۱۴۰۰: ۷۶)

مقام معظم رهبری همواره نقش موثر و ممتازی در روند رشد و گسترش گفتمان انقلاب اسلامی داشته است. در اندیشه ایشان انقلاب اسلامی طرفدار عدالت، آزادی بشر و نابودی نظام سلطه در همه جهان است و نقطه مقابل گفتمان ظالمانه و ستمگرانه قدرتهای انحصارطلب می باشد. ایشان از گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان پرچم گفتمان نوین اسلامی نام می برد که برای همه انسانها و برای انسانیت راهگشاست و در مقابل این گفتمان، گفتمان جاهلیت امروز دنیا است. انقلاب اسلامی ایران که باعث شکل گیری گفتمان و نظام معنایی جدیدی در میان ملت‌های تحت ستم به جهت دستیابی به قدرت، منزلت و کسب هویت سیاسی آنها شد، ایجاد گفتمان مقاومت اسلامی در برابر نظام سلطه انجامید. رهبری انقلاب و نظام اسلامی همواره از این گفتمان دفاع نموده و به تبیین و هدایت آن پرداخته است. گفتمان مقاومت که ریشه در گفتمان اسلام سیاسی دارد با مرزبندی جدید بین مستضعفان و مستکبران، جبهه جدیدی در جهان و منطقه غرب آسیا گشود و خواستار تغییرات و دگرگونی های بنیادی و عمیقی در فرهنگ، اقتصاد و سیاست این جوامع شد. (صادق زاده، ۱۴۰۰: ۸۲-۸۱)

حضرت آیت الله خامنه‌ای، اقتدار حقیقی برای کشور را اقتدار فرهنگی می دانند و لذا ارائه‌ی تصویر درست و واقعی از نظام جمهوری اسلامی و واقعیت‌ها و پیشرفت‌های ایران امروز، و ترویج زبان و ادبیات فارسی را، از جمله وظایف سنگین سفیران فرهنگی نظام اسلامی دانسته و با اشاره به جایگاه و اهمیت فعالیت‌ها و ارتباطات فرهنگی می فرمایند: «اگر کار فرهنگی به درستی انجام شود و بر ذهن و فکر و عاطفه‌ی افراد تأثیرگذار باشد، قطعاً برخی خلا‌های احتمالی در عرصه‌ی دیپلماسی و یا ارتباطات تجاری و اقتصادی، پُر خواهد شد.» (بیانات، ۱۳۸۸/۱۲/۱۱)

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به تلاش گسترده‌ی تبلیغاتی جبهه‌ی استکبار برای



ارائه‌ی چهره‌ای مخدوش از نظام اسلامی، ارائه‌ی تصویر درست از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی برای مردم دنیا و همچنین مسئولان کشورها را یکی از وظایف مهم و کارهای بزرگ سفیران فرهنگی است. (بیانات، ۱۳۸۸/۱۲/۱۱)

حضرت آیت الله خامنه‌ای معتقد است جمهوری اسلامی باید تلاش کند مبانی و پیام انقلاب اسلامی را به همه جهان منتقل کند و ایشان بهترین حامل این پیام را زبان فارسی می‌دانند و تاکید می‌کنند امروزه ملت ایران و مدیران نظام باید قدر زبان فارسی را بیشتر بدانند.

«امروز اعتقادمان این است که برای دنیا پیامی داریم. این پیام، یک حامل و رسانه‌ی درستی می‌خواهد، و آن جز زبان، چیز دیگری نیست. چون به این پیام فکر می‌کنیم، این زبان بایستی بتواند واژه‌ها و اصطلاحات مخصوص ما را منعکس کند، اصطلاحاتی که مقصود انقلاب را برآورده می‌کند و تفکرات نظام را منعکس می‌نماید. پس، امروز ما به یک زبان قوی و جاافتاده و پُرظرفیت احتیاج داریم؛ و آن زبان فارسی است، که بحمد الله در دسترس ما هم هست.» (بیانات، ۱۳۷۰. ۵۸ ص: ۲۹۱)

نسبت زبان و ادبیات فارسی و دیپلماسی عمومی

حضرت آیت الله خامنه‌ای، برای زبان و ادبیات فارسی، ارزش و اهمیت ویژه و خاصی قائلند و خود را «به‌عنوان یک آدم عاشق و شیفته‌ی زبان فارسی» معرفی می‌کنند (بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۲۷) در دیدگاه ایشان، زبان و خط، یکی از نقاط برجسته و از شاخص‌های مهم فرهنگ هر کشور است. (بیانات، ۱۳۸۳/۰۲/۲۸) و ایشان زبان را یکی از عناصر مهم هویت یک ملت می‌دانند. (رک: اسدی، ۱۳۹۳) می‌فرمایند: «هویت ملی ما به زبان و خط ماست» (بیانات، ۱۳۸۵/۵/۲۳)

اهمیت خط و زبان در انتقال فرهنگ

همچنین ایشان معتقدند زبان، کانال عمده‌ی انتقال فرهنگ است، که لباس،

آداب، دین، عقاید و باورهای اجتماعی را منتقل می کند. لذا امروزه قدرتهای جهانی، که می خواهند فرهنگ خودشان را منعکس و منتقل کنند تلاش می کنند که زبان خودشان را در دنیا رایج کنند. (بیانات، ۱۳۷۲/۵/۱۲) لذا در اندیشه ایشان زبان و ادبیات یکی از ظرفیت ها و ابزار مهم ایجاد قدرت نرم برای کشورهاست. و با گسترش زبان و ادبیات یک ملت، ایدئولوژی و فرهنگ آن ملت نیز در بین کشورهای دیگر نفوذ می کند.

اگر ملتی بتواند فرهنگ، باورها، اعتقادات، رسوم و آداب خود را، و در مرحله ی بالاتر، زبان و خط خویش را در ملت دیگری نفوذ بدهد، بر آن ملت مسلط است و سلطه ی او، یک سلطه ی حقیقی است. لذا از قدیم نیز مرسوم بوده که کشورهای استعمارگر و سلطه گر اولین کاری که می کردند این بود که فرهنگ و هویت ملت تحت سلطه را نابود می کردند. زبان، ارزش ها، سنت ها و عقاید ملت را با تحقیر، فشار و زور نابود می کردند. یکی از روشها برای سلطه فرهنگی این بود که نمی گذاشتند مردم به زبان خودشان تکلم کنند تا زبان وارداتی را قبول کنند. در دوره یی از دویست سال گذشته فرانسوی ها با کشورهای دیگر چنین کردند، و در یک دوره ی دیگر انگلیسی ها و در این اواخر امریکایی ها این کار را انجام دادند؛ یعنی زبان، خط، فرهنگ و روش های زندگی خودشان را به هر کشوری که توانستند، صادر و یا تحمیل کردند. (رک: بیانات، ۱۳۶۹/۱/۱۰ و ۱۳۸۳/۴/۱)

ظرفیت های زبان فارسی در دیپلماسی عمومی و روابط خارجی

۱. ویژگی های ذاتی و امتیازات زبان فارسی

فرهنگ غنی و کهن ملت ایران را با خود منتقل می کند. حضرت آیت الله خامنه ای علت نفوذ زبان فارسی را فقط مربوط به قدرت سیاسی حکومت های ایرانی نمی داند چرا که آن روزی که زبان فارسی در هند زبان رسمی بود، پادشاهان مغولی هند و تیموری ها، از سلاطین صفویه که در ایران بودند، قدرت کمتری نداشتند. لذا یکی از علل گسترده گی و نفوذ زبان فارسی را مربوط به خود ذات این زبان می دانند.



مثل ترکیب و شیوایی ویژه و آهنگی که این زبان دارد. ایشان معتقدند آهنگ زبان فارسی و نطق‌های فارسی، گیراتر از آهنگ زبان‌های دیگر است. علت دیگر، مربوط به آن بار معنایی است که این زبان با خودش حمل می‌کند. (بیانات، ۲۷ / ۱۱ / ۱۳۷۰)

• **دارای قابلیت ترکیب‌پذیری:** زبان فارسی می‌تواند بی‌نهایت مفهوم را در خودش جای بدهد. کمتر زبانی می‌تواند راحت دو یا سه کلمه را باهم ترکیب کرده و واژه جدیدی بسازد. (بیانات، ۱۳۶۹. ۱۸ ص: ۵۴)

• **سرشار از اشعار فاخر و عالی در موضوعات مختلف:** در زبان فارسی، به قدری شعر خوب و حکمت‌آمیز وجود دارد که اگر کسی یک نفر می‌تواند سال‌ها، در تمام موضوعات - اخلاقی، تاریخی، اعتقادی، توحید، نبوت، ولایت، حکمت‌آمیز، مصیبت، مدح، مسائل اجتماعی و مسائل انقلاب - از شعرای قدیم، تا شعرای امروز شعر بیرون بیاورد و تکراری نخواند. (بیانات، ۱۳۶۹. ۵۰ ص: ۳۸۵)

• **شیرین و پُروست:** زبان فارسی، علاوه بر گسترش و ترکیب‌پذیری خودش، زبان بسیار خوب، شیرین و پُرگنجایشی است و مثل یک بادکنک، صد برابر حجم فعلی خودش، قابل گسترش است. اما به عنوان مثال زبان عربی، این‌طور نیست. (بیانات، ۱۳۶۹. ۶۲ ص: ۴۶۵)

• **دارای ترکیب و آهنگ شیوا، ویژه و جذاب:** این آهنگ شیوا موجب می‌شود کسانی که فارسی زبان نیستند نیز از آن لذت ببرند و به این جذابیت اعتراف کنند. (بیانات، ۲۷ / ۱۱ / ۱۳۷۰)

۲. **دارای بار معنایی غنی و پر بار (حامل فرهنگی ایرانی و معارف اسلامی)**
 • زبان فارسی، فرهنگ غنی‌یی را با خودش منتقل می‌کرده که این فرهنگ امروز در اختیار ماست. عمدتاً هم فرهنگ اسلامی است. یعنی اسلام در این منطقه‌ی شرق عالم، از شبه قاره گرفته تا چین و تا هر جای دیگر که رفته، با زبان فارسی رفته است. پس یکی از عوامل گسترش زبان فارسی در دنیا و لاقط در این ناحیه همراهی

آن با دین و پیام دین و معارف دینی است. بنابراین می توانیم آن محتوای عرفانی و آن فرهنگ اسلامی را که شکل لطیف و زیبای خودش را در ایران داشته، عامل گسترش زبان بدانیم. (بیانات، ۲۷ / ۱۱ / ۱۳۷۰)

۳. سابقه تاریخی نفوذ و وسعت زبان فارسی در دنیا

حضرت آیت الله خامنه ای معتقدند هر زبانی که وسعت نفوذ آن زیاد باشد، طبیعی است که با خود فرهنگی را نیز منتقل می کند. چنانکه امروز دولتهای استعمارگر و سلطه طلب می خواهند با هزینه های زیاد و با اعمال فشار این کار را در دنیا انجام بدهند، اما زبان فارسی این کار را با نفوذ طبیعی خودش کرده است. نفوذ زبان فارسی در گذشته بسیار گسترده بوده است. به طوری که از چین تا روم و آسیای صغیر، مرز زبان فارسی را تشکیل می دادند. از قسطنطنیه، یا از استانبول تا آسیای شرقی، بُرد ادبیات ما بود. در دوران عثمانی، دیوان و مکاتبات آن ها به زبان فارسی بوده است و شعرایی به زبان فارسی داشتند. بهترین شعرای بخشی از دوران عثمانی، شعرای فارسی گو هستند. زبان فارسی، زبان دیوانی کشور عثمانی بود. در همان زمانی که کشور عثمانی دائماً با ایران جنگ داشت، نفوذ زبان فارسی آن چنان بود که منشی و دبیر دستگاه عثمانی کار خودش را با خط فارسی، با عنوان فارسی، با تعبیر و زبان فارسی و با شعر فارسی راه می انداخت. از طرف شرق هم زبان فارسی حتّی تا شبه قاره ی هند و چین، بُرد داشت. زبان مذهبی، زبان اداری، زبان دبیران و منشیان و زبان ادبیات و هنر بود. (بیانات، ۲۷ / ۱۱ / ۱۳۷۰)

استعمار دهها سال و شاید در بعضی جاها قرن ها تلاش کرد تا آثار فرهنگ ایرانی را که در خیلی از نقاط دنیا مثل هند وجود داشت، بزدايد. وقتی که کمپانی انگلیسی «هند شرقی» وارد هند شد، یکی از اولین تلاش هایش این بود که زبان فارسی را کنار بزند. انگلیسی ها زبان فارسی را که زبان دیوانی رایج بود، نگذاشتند پابرجا بماند و با گلوله و با فشار استفاده و تکلم به زبان فارسی را ممنوع و آن را منسوخ کردند. ابتدا زبان اردو را رسمی کردند، برای اینکه زبان فارسی را کنار



بگذارند. بعد خود زبان اردو را هم کنار زدند و زبان انگلیسی را زبان رسمی کردند. از اوایل قرن نوزدهم این کار شروع شده و تا امروز هم ادامه دارد. (رک: اسدی ۱۳۹۳: ۱۲۷-۱۲۵)

۴. وجود مردم و کشورهای فارسی زبان در جهان

مقام معظم رهبری بر تحکیم پیوندهای سه کشور فارسی زبان ایران، افغانستان و تاجیکستان را به نفع این کشورها دانسته و بر تلاش بیشتر در این زمینه تأکید می کنند. (بیانات، ۱۳۸۵/۳/۶) ایشان مشترکات فرهنگی و تاریخی ایران با کشورهای دیگر، از جمله دین اسلام و زبان فارسی را فرصت هایی گرانقدر برای توسعه و تعمیق همکاری می دانند. (بیانات: ۱۳۸۷/۱۲/۲۱)

۵. زبان فارسی بهترین حامل پیام انقلاب اسلامی برای جهان

در نگاه ایشان امروزه مدیران نظام و ملت ایران، قدر زبان فارسی را بیشتر می دانند، علتش هم این است که امروز ایران برای دنیا درای پیام است. و آن، پیام انقلاب اسلامی است و بهترین حامل این پیام، زبان فارسی است::

«امروز اعتقادمان این است که برای دنیا پیامی داریم. این پیام، یک حامل و رسانه ی درستی می خواهد، و آن جز زبان، چیز دیگری نیست. چون به این پیام فکر می کنیم، این زبان بایستی بتواند واژه ها و اصطلاحات مخصوص ما را منعکس کند، اصطلاحاتی که مقصود انقلاب را برآورده می کند و تفکرات نظام را منعکس می نماید. پس، امروز ما به یک زبان قوی و جاافتاده و پُرطرفیت احتیاج داریم؛ و آن زبان فارسی است، که بحمد الله در دسترس ما هم هست.» (رک: بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۲۷)

«زبان فارسی بهترین حامل و رسانه برای معارف، افکار، نوآوری، و تمدن عمیق اسلامی محسوب می شود.» (بیانات، ۱۳۹۲/۵/۱۵)



حضرت آیت الله خامنه ای سیاست ها و راهکارهایی را نیز در رابطه با زبان و ادبیات فارسی بیان کرده اند که نتیجه آن، تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی عمومی است:

۱. توصیه جدی به حفظ و تقویت زبان فارسی (رک: بیانات، ۲۷/ ۱۱/ ۱۳۷۰)
 «این زبان بار سنگین مسئولیتی را بر دوش دارد که محموله عظیمی از معارف، امروز در اختیار زبان فارسی است که فراموش نکردن وظیفه پاسداری از این زبان در ایران و کشورهای فارسی زبان و انشاءالله در سراسر جهان وظیفه ای بزرگ است.»
 (خامنه ای، ۱۳۹۷: ۵۹)

۲. توصیه در جهت ترویج و نفوذ زبان فارسی در دنیا از طرق مختلف (رشد و مرجعیت علمی، ارسال کتاب، برگزاری کرسی های زبان فارسی)
 حضرت آیت الله خامنه ای تأکید می کنند ما امروز مایلیم که آن ملت هایی که در اطراف عالم با فرهنگ و ادبیات ایرانی آشنا بودند، این ارتباط و اتصالشان محفوظ بماند. لذا باید تلاش کنیم نفوذ تاریخی زبان و ادبیات فارسی را در دنیا برگردانیم. ایشان یکی از راههای ترویج و نفوذ زبان فارسی را انتقال و ارسال کتب فارسی می دانند به ویژه کتبی که از نسل های گذشته باقی مانده و زبان، ادبیات و فرهنگ ایران را منتقل می کنند مثل گلستان سعدی و دیوان حافظ، که از آنها استقبال می شود. (بیانات، ۱۳۷۰. ۷۷ ص: ۵۱۸)

ایشان راه دیگر ترویج زبان فارسی از طریق پیگیری کرسی های زبان فارسی در مراکز علمی و دانشگاهی جهان می دانند (بیانات، ۱۳۸۸/۱۲/۱۱) و یا اینکه ما از نظر علمی رشد کنیم به طوری که زبان فارسی در دنیا تبدیل به زبان علم شود:

«من انتظارم این است که ما پنجاه سال دیگر _نمی گویم ده سال، پانزده سال دیگر_ در دنیا و در سطح عالم، حرف اول علمی را بزنیم. یعنی مرزهای علم را ما تعیین کنیم. کار به جایی برسد که زبان ما- که زبان فارسی است- در دنیا زبان علم



بشود. این، آن افقی است که جلو چشم من است. برای اینکه به این نقطه برسیم، اوگما باید باور کنیم که این می شود.» (بیانات، ۱۳۸۵، ۳۵)

«از پیشرفت علمی در کشور برای گسترش و نفوذ زبان فارسی استفاده شود. زبان خیلی مهم است برادران و خواهران عزیز! اهمیت زبان ملی یک کشور برای خیلی ها هنوز دانسته و شناخته نیست. زبان فارسی باید گسترش پیدا کند. باید نفوذ فرهنگی زبان فارسی در سطح جهان روزبه روز بیشتر شود. فارسی بنویسید، فارسی واژه سازی کنید و اصطلاح ایجاد کنید. کاری کنیم که در آینده، آن کسانی که از پیشرفتهای علمی کشور ما استفاده میکنند، ناچار شوند برونند زبان فارسی را یاد بگیرند... یکی از اهمیتهائی که دولتهای آگاه و هوشیار در دنیا انجام میدهند، تکیه بر روی گسترش زبان ملی شان در دنیا است.» (بیانات در دیدار با اساتید دانشگاه ها، ۱۳۹۲/۵/۱۵)



امروز قدرت نرم و دیپلماسی عمومی و فرهنگی متکی بر قدرت نرم، از جایگاه ویژه ای در روابط خارجی و مناسبات بین المللی برخوردار است چنان که به اعتقاد برخی از صاحب نظران افزایش و تسهیل ارتباطات بین فرهنگی مهمترین وظیفه دیپلماسی در دوره جدید است. و کشورهایی مثل ایران که دارای منابع غنی فرهنگی هستند تمایل بیشتری در استفاده از این نوع دیپلماسی عمومی دارند. و زبان و ادبیات به عنوان کانال و ابزار انتقال فرهنگ از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

انقلاب اسلامی ایران، با معرفی اسلام ناب و سیاسی به جهانیان، نفوذ در بین ملت‌های مسلمان و مستضعف جهان، به چالش کشیدن مارکسیسم و لیبرالیسم و ارائه تعریف جدیدی از نظام بین الملل و رسوا کردن چهره استکبار جهانی، قدرت نرم عظیمی برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است و لذا زبان فارسی به عنوان حامل پیام انقلاب اسلامی از اهمیتی مضاعف نسبت به گذشته برخوردار شده است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با توجه به تلاش گسترده‌ی تبلیغاتی جبهه‌ی استکبار برای ارائه‌ی چهره‌ای مخدوش از نظام اسلامی و جلوگیری از بازتاب انقلاب اسلامی در جهان، ارائه‌ی تصویر درست و واقعی از نظام جمهوری اسلامی و واقعیت‌ها و پیشرفت‌های ایران امروز، و ترویج زبان و ادبیات فارسی را، ضروری دانسته و اقتدار حقیقی برای کشور را اقتدار فرهنگی می‌دانند.

ایشان زبان فارسی را سرشار از معارف اسلام و انقلاب اسلامی دانسته و و با توجه به ظرفیت‌ها و امتیازات زبان فارسی، آن را بهترین رسانه و حامل برای انتقال پیام انقلاب اسلامی به ملت‌های جهان دانسته و یکی از وظایف جمهوری اسلامی را احیاء نفوذ تاریخی زبان و ادبیات فارسی در دنیا می‌دانند. جهت ترویج و نفوذ زبان فارسی در دنیا راه‌هایی را نیز پیشنهاد می‌دهند مثل: رشد علمی و و تبدیل شدن به مرجعیت علمی، ارسال کتاب‌های فارسی، برگزاری کرسی‌های زبان فارسی و..

«زبان فارسی بهترین حامل و رسانه برای معارف، افکار، نوآوری، و تمدن عمیق

اسلامی محسوب می‌شود.» (بیانات، ۱۳۹۲/۵/۱۵)



فهرست منابع

۱. اسدی، علیرضا، نسبت جهانی شدن و هویت ملی در ایران با تأکید بر اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای، رساله دکتری رشته مدرسی معارف اسلامی - انقلاب اسلامی، دانشگاه تهران، پاییز ۱۳۹۳.
۲. حاجیان، خدیجه، «بررسی ظرفیت های زبان و ادبیات فارسی در ترویج ارزش های انقلاب اسلامی در تاجیکستان و افغانستان» فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، شماره ۳۱، پاییز ۱۳۹۴.
۳. خامنه ای، سید علی، امین زبان و ادب فارسی، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷.
۴. خامنه ای، سید علی، مجموعه بیانات حضرت آیت الله خامنه ای، <https://khamenei.ir/>
۵. خامنه ای، سید علی، نرم افزار حدیث ولایت: مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، تهران: دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی).
۶. خرازی محمدوندی آذر، زهرا، «تأثیر دیپلماسی فرهنگی بر منافع ملی کشورها»، مجله مدیریت فرهنگی، سال سوم، شماره ششم، زمستان ۱۳۸۸، صص ۱۲۲-۱۰۷.
۷. خراسانی، رضا، «جایگاه و نقش قدرت فرهنگی در سیاست خارجی و تأثیر آن بر روند تحولات جهانی»، فصلنامه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۴۱، بهار ۱۳۸۷، صص ۴۷ تا ۷۲.
۸. داداندیش پروین و افسانه احدی، «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه روابط خارجی ایران، سال سوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۰، ۱۴۳-۱۷۳.
۹. درخشه جلال و مصطفی غفاری، «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام فرصت ها، اقدامات، اولویت ها و دستاوردها» نشریه مطالعات فرهنگ ارتباطات، شماره ۱۶ زمستان ۱۳۹۰ صص ۴۵-۹.
۱۰. ذوالفقاری، مهدی و علی غلامعلی، «مؤلفه ها و ظرفیتهای زبان فارسی در دیپلماسی

- فرهنگی ایران»، مجله مطالعات ایرانی، شماره ۴۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص ۰۳-۱۶۹
۱۱. رهبر، عباسعلی و مجید نجاتپور و مجتبی موسوی نژاد، «قدرت نرم، انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی»، فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، شماره ۴۴، پاییز ۱۳۹۴، صص ۳۹-۹
۱۲. صادق زاده، محمدعلی و سید جلال دهقانی فیروزآبادی و محمد ستوده، «رهبری و دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران» فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، پاییز ۱۴۰۰، شماره ۶۶، صص ۷۵-۹۶
۱۳. عباسی، مجید و یوسف سیفی، قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶
۱۴. فاطمی صدر، امیر، دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۰
۱۵. فولادی، محمد، «تاثیر زبان و عناصر زبانی بر تبادل فرهنگی ملل»، دوفصلنامه زبان و فرهنگ ملل، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۶۳-۴۱
۱۶. مایلی، محمدرضا و مریم مطیعی، «قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل (پژوهشنامه روابط بین الملل)، شماره ۳۵، ۱۳۹۵، صص ۱۸۹-۲۰۸
۱۷. میثم بلباسی و علی کریمی مله و سید محمد جواد قربی، «عناصر هویت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران؛ نمونه کاوی سند مؤلفه های هویت ملی ایرانیان»، فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، سال هفتم، شماره ۵۲، تابستان ۱۳۹۷
۱۸. نعیم آبادی، حسن و محسن پالیزپیشه، «جایگاه دیپلماسی عمومی در تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر آیت الله خامنه ای»، فصلنامه تمدن اسلامی و دین پژوهی، شماره سوم بهار ۱۳۹۹، صص ۹۴-۷۴.



